

## متغیرهای تأثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و پاکستان

شهره جلال‌پور<sup>۱</sup>، محمد فلاح<sup>۲</sup>، فاطمه محمودزاده<sup>۳</sup>

### چکیده

روابط ایران و پاکستان قبل از انقلاب اسلامی، دوستانه و کم‌تنش بود. پس از انقلاب اسلامی به علل چندی از جمله: قدرت‌گیری نظامیان در پاکستان، اختلافات مرزی، کشتار شیعیان و ...، واگرایی بین دو کشور نمایان شد. تز صدور انقلاب نیز که قاعدتاً کشورهای همجوار و مسلمان ایران را در اولویت قرار می‌داد، اختلافات را دوچندان کرد و علیرغم پیروزی‌های ایران در این زمینه در کشورهای عراق و سوریه ...، در پاکستان نمودی نیافت. مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخگویی به این سوال است که مهمترین متغیرهای تأثیرگذار در واگرایی ایران و پاکستان کدام‌اند؟ فرضیه تحقیق بر این شالوده قرار گرفت که مجموعه‌ای از عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجب واگرایی در روابط دو کشور شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با مبنا قرار دادن چارچوب نظری براساس نظریه سازه‌انگارانه و تأثیر هنجارهای اجتماعی و تشکل‌ها بر روابط میان دولت‌ها، مهمترین عوامل واگرایی دو کشور عبارتند از: اقدامات طالبان در پاکستان، رقابت ایران و پاکستان بر سر احراز قدرت منطقه‌ای، واکنش‌های افراطی علیه انقلاب ایران، روابط پاکستان با آمریکا و عربستان ... از مهم‌ترین علل واگرایی در روابط دو کشور محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، پاکستان، واگرایی، سازه‌انگاری

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا shohrehjalalpoor@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا

<sup>۳</sup> کارشناسی‌ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا

## مقدمه

پس از استقلال پاکستان، ایران اولین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت. در روابط دو کشور به جهت سوابق فرهنگی و تاریخی، دین مشترک، زبان فارسی، جهت‌گیری‌های خارجی ... دوستانه بود. اما متأسفانه پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، بسیاری از کشورهای مسلمان و همجوار از جمله پاکستان درصدد مقابله با آن برآمدند. ماهیت انقلاب شیعی ایران، تلاش ایران در صدور انقلاب در چارچوب اصل دعوت، سیاست‌های منطقه‌ای ایران، ادعای رهبری جهان اسلام مقدمات این برخورد امر را به وجود آورد. بنابراین، در مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب ایران، کشور پاکستان که تحت حاکمیت حکومت ایدئولوژیک و نظامی محمد ضیاءالحق قرار داشت درصدد مقابله با آن برآمد. از این‌رو، وهابیت عربی و طریقه دیوبندی شبه قاره، در قالب گروه‌های ضدشیعی نظیر طالبان، سپاه صحابه و لشکر جهنگوی با ایجاد ارباب و اعمال خشونت موجبات نارضایتی شدید دولت ایران را فراهم کرد. بعداً این اقدامات از طرف گروهک‌های وابسته مثل جنداله و جیش‌العدل پیگیری شد و مناطق جنوب شرق و مرزهای قومی را تحت تأثیر خود قرار داد. گرچه پاکستان به حفظ و نگهداری روابط دوستانه با ایران بعنوان یکی از مهمترین مولفه‌ها برای امنیت خود و منطقه می‌نگریست، اما عملکرد این کشور در قبال مسائل منطقه‌ای و رقابت با ایران، بارها منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به چالش کشیده و یا حتی به مخاطره انداخته است. از جمله چالش‌ها و رقابت‌های ناسازگار ژئوپولیتیکی بین دو کشور می‌توان به مسائل ایدئولوژیک، مسائل هسته‌ای، نوع نگرش دو کشور به آسیای مرکزی و افغانستان، مسائل مرزی و رقابت بندرگادر با بندر چابهار اشاره کرد. حال با هدف معرفی و تبیین متغیرهای تأثیرگذار بر واگرایی دو کشور و با طرح این سوال که متغیرهای تأثیرگذار بر واگرایی ایران و پاکستان کدامند؟ به روش توصیفی - تحلیلی به ارزیابی این فرضیه پرداخته می‌شود که مجموعه‌ای از عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجب واگرایی در روابط دو کشور شده است. باتوجه به توفیق ایران در برقراری روابط دوستانه با کشورهای چینی، سوریه و عراق، روابط کم‌تنش با ترکیه و افغانستان، ... روابط دیپلماتیک و نظامی فعال با روسیه، سردی و تنش در مناسبات ایران و پاکستان در این بین مسئله‌ای قابل توجه و اهمیت است. این مقاله در قالب ۴ بحث انجام شده است. پس از توضیح مفاهیم و اصطلاحات تخصصی، به چارچوب نظری نظریه سازه‌انگاری پرداخته می‌شود. بعد از آن با گزارشی کوتاه و موجز از روابط دو کشور قبل و بعد از انقلاب، به سراغ مولفه‌های تأثیرگذار در واگرایی دو کشور می‌رویم.

## ۱- تعریف مفاهیم

از آنجائیکه در ابتدای هر پژوهش، مفاهیم واژگان موردنظر پژوهشگر تشریح می‌شود، در این بخش برخی از اصطلاحات کلیدی و تخصصی تبیین می‌شود.

### ۱-۱- انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ ه.ش به رهبری امام خمینی اتفاق افتاد، موجب سرنوشتی پادشاهی پهلوی و استقرار نظام جمهوری اسلامی گردید. این حرکت نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران و رخدادی تأثیرگذار در نیمه دوم قرن بیستم بود که موجب تحولات و دگرگونی‌های بسیاری در جهان و منطقه شد. اهمیت این رویداد تاریخی در این است که از یک سو معادله‌های سیاسی استکبار را در ادامه تقسیم استعماری جهان به دو قطب شرق و غرب برهم زد و از سوی دیگر یکی از مقتدرترین رژیم‌های وابسته به قدرت‌های بزرگ را در کشوری که از نظر استراتژیکی و اقتصادی با اهمیت بود، ریشه‌کن نمود. مهمتر از آن با ایجاد آگاهی عمیق در میان ملت‌های مسلمان، زمینه جنبش‌ها، حرکت‌ها و تحولات سیاسی مهمی را فراهم نمود. ظهور این جریان سیاسی بار دیگر اسلام را بعنوان یک قدرت برتر در سطح جهان مطرح نمود و چشم‌اندازی امیدبخش برای حرکت به سوی بازیابی خویشتن و ایستادگی در برابر استبداد و استکبار پیش روی مسلمانان قرار داد (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۱۵).

### ۲-۱- صدور انقلاب

«مفهوم صدور انقلاب نتیجه قهری پدیده انقلاب در سراسر تاریخ جهان» شمرده می‌شود، بطوریکه انقلاب فرانسه الهام‌بخش اکثر دموکراسی‌ها بوده و انقلاب روسیه بر انقلاب‌های چین و کوبا تأثیر گذاشته است (اطهری و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۸۳). صدور انقلاب یک اصل در سیاست خارجی است که با الهام‌گیری از آموزه‌های اصیل اسلامی و رساندن پیام انقلاب ایران به جهانیان مطرح است. صدور انقلاب و دعوت از تمامی جهانیان برای آشنا شدن با مبانی انقلاب، هدف اصلی سیاست خارجی ایران است (یزدانی و اخجسته، ۱۳۹۱: ۶۱).

### ۳-۱- واگرایی

واگرایی به معنی از دست دادن وحدت و پیوستگی، قطعه قطعه شدن، تجزیه ذرات پراکنده و قسمت‌های مجزاست (جوادی، ۱۳۸۹: ۱۹). همانطور که عوامل و انگیزه‌های گوناگونی سبب برقراری اتحاد و همگرایی میان واحدهای سیاسی متفاوت می‌شوند، عوامل مختلفی نیز در واگرایی و ایجاد تعارض میان دولت‌ها موثر

هستند که طی آن، به جای ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین‌الملل، آنها را از یکدیگر دور ساخته، زمینه‌های بحران و جنگ را فراهم می‌کند (قوام، ۱۳۸۵: ۲۵۵-۲۵۴).

## ۲- چارچوب نظری: سازه‌انگاری<sup>۱</sup>

سازه‌انگاری از منظر معرفت‌شناسی<sup>۲</sup> حد وسط «پوزیتیویسم» و «پساپوزیتیویسم»<sup>۳</sup> ارزیابی می‌شود. این رویکرد معتقد است که واقعیت اجتماعی و رفتار انسان‌ها را می‌توان با عنایت به قالب ذهنی تعبیر کرد. مدلول این رویکرد، نشان دادن تأثیر ساخت نرم‌افزاری نظام ذهنی، باورها و هنجارها بر رفتار سیاست خارجی است (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۶۵). آموزه‌های این مکتب از دل رهنمون‌های جدید فلسفی از جمله مکتب فلسفی انتقادی فرانکفورت و پسامدرنیسم بیرون آمده است. سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۰)، و روابط میان دولت‌ها براساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند.

مهمترین اصل هستی‌شناختی<sup>۴</sup> سازه‌انگاری ناظر به این است که «ساختارهای فکری و معرفتی»<sup>۵</sup> دست‌کم به اندازه «ساختارهای مادی» اهمیت دارند؛ چراکه این نظام‌های بامعنا هستند که تعریف می‌کنند کنشگران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. ضمن اینکه براساس گزاره هستی‌شناختی دیگر، «هویت‌ها» به منافع و کنش‌ها شکل داده و در واقع، بخشی از رویه‌های سازنده دولت و مولد کنش‌های آن در داخل و خارج به شمار می‌آیند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۵۲).

در اندیشه سازه‌انگاری «دولت‌ها» تنها بازیگران عرصه روابط بین‌الملل نیستند و بازیگرانی همچون سازمان‌ها و نهادهای فراملیتی و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، گروه‌ها و NGOها نیز بنحو موثری دینفوذ هستند. به عقیده آنان، یک دولت قدرتمند باید توانایی ایجاد آنچنان فضای هنجاری را داشته باشد که بتواند به راحتی به خلق و ایجاد رفتارهای مورد نظرش بپردازد. براساس سازه‌انگاری رسیدن به هنجار و اخلاق جمعی در صورتی امکانپذیر است که دولت‌ها نسبت به هم احساس یگانگی بیشتری کنند. مثلاً خود را غربی، دموکراتیک و ... بدانند.

<sup>1</sup> Constructivism

<sup>2</sup> Epistemology

<sup>3</sup> Post – Positivism

<sup>4</sup> Ontologic

<sup>5</sup> Ideational structures

آنان سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند، هر اندازه ادراکات و منطق بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات نامتجانس و متناقض‌تر باشد، میزان بی‌اعتمادی میان آنها افزایش می‌یابد و دولت‌ها بیشتر به سوی خودیاری می‌روند، اما اگر دانش مشترک ایجاد شود می‌توان به سمت جامعه امنیتی صلح‌آمیزتری رفت. سه مورد کلی را اندیشمندان این رویکرد بعنوان گزاره‌های اصلی سازه‌نگاری پذیرفته‌اند:

- ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشند؛

- هویت‌ها و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها نقش تعیین‌کننده دارند؛

- ساختارها و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند.

به اعتقاد الکساندر ونت، از طرفداران اصلی این دیدگاه (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۴۶)، سازه‌نگاری یک تئوری ساختاری مبتنی بر این فرض است که کنشگران اجتماعی بطور اجتماعی ساخته می‌شوند: «آنچه را ما تحت عنوان دولت یا منافع ملی می‌شناسیم، نتیجه هویت‌های اجتماعی کنشگران است» (عسگرخانی و منصورى مقدم، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

### ۳- مروری کوتاه بر روابط ایران و پاکستان

در ۱۴ اوت ۱۹۴۷/۲۳ مرداد ۱۳۲۶ش و به دنبال مبارزات رهبران حزب مسلم لیگ بویژه محمدعلی جناح، کشوری به نام پاکستان به وجود آمد. ایران از سمت شرق با پاکستان و افغانستان همجوار است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۳). پاکستان نیز در جنوب غربی آسیا و خاورمیانه واقع شده؛ همچنین از غرب با ایران هم‌مرز است (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۱). با استقلال پاکستان، ایران اولین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۰). از بدو تأسیس دولت پاکستان، روابط ایران با این کشور همسایه اسلامی، براساس دوستی و حسن همجواری بوده و تنها ۴۰ روز پس از تأسیس این کشور، در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۷/۲ آبان ۱۳۲۶ش. اقدام به تأسیس سفارت خود در بندرکراچی نمود. اکنون ۷۰ سال از برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و پاکستان می‌گذرد. شاید بتوان مهمترین تحول در تاریخ هفتاد ساله مناسبات تهران-اسلام‌آباد را وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران دانست که دو دوره کاملاً متفاوت از مناسبات را در دوران حاکمیت نظام سلطنتی و جمهوری اسلامی در ایران، بین دو کشور رقم زده است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰).

روابط دیپلماتیک دو کشور از می ۱۹۴۸ آغاز و در می ۱۹۴۹، لیاقت علی خان<sup>۱</sup>، نخست وزیر پاکستان به ایران سفر کرد. محمدرضا پهلوی، اولین رئیس کشوری بود که در مارس ۱۹۵۰ به پاکستان سفر کرد و پس از آن، دو کشور در فوریه ۱۹۵۰ با یکدیگر پیمان مودت بستند. کشور پاکستان به دلیل داشتن مرزهای مشترک طولانی با کشورهای بزرگ و قرار گرفتن در معرض تهدید دو کشور هند و افغانستان مشتاق بود با ایران رابطه دوستانه برقرار کند. ضمن آنکه پاکستان، ایران را بعنوان راه میانبر، برای برقراری ارتباط با جهان اسلام می‌دانست (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۰). ایران و پاکستان در پیمان نظامی سنتو عضو بودند و هر دو متأثر از سیاست خارجی امریکا قرار داشتند. اما مشکل اساسی در «سازمان همکاری عمران منطقه‌ای» بود که تولیدات اقتصادی آنها مشابه بود و نمی‌توانست مکمل یکدیگر باشد (ازغندی، ۱۳۷۶: ۳۸۳-۳۸۲). بعد از انقلاب اسلامی در ایران، پاکستان تنها کشور منطقه بود که به نوعی با این انقلاب همراهی نشان داد. با برداشت واقع‌گرایانه‌ای که حکومت پاکستان از ماهیت تحولات داخلی ایران داشت، علیرغم اینکه این کشور روابطش را تا آخرین روزهای حکومت پهلوی با این رژیم حفظ کرد (سفر ژنرال ضیاءالحق<sup>۲</sup> به ایران در سپتامبر ۱۹۷۸)؛ وزیر کابینه او «خورشید احمد» آشکارا از انقلاب ایران حمایت کرد. خورشید احمد در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۸ با امام خمینی (ره) در پاریس دیدار کرد. ملاقات وی به منظور رساندن این پیام بود که پاکستان آماده است روابط دوستانه‌ای را با رهبر ایران برقرار کند (Alam, 2004: 531).

۱۲

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پاکستان در تحریم غرب علیه ایران شرکت نکرد و در جریان جنگ عراق و ایران موضع بیطرفانه اتخاذ نمود و بندر کراچی در زمان جنگ برای تخلیه بار در اختیار ایران بود. در دهه اخیر، نزدیکی آشکار پاکستان به ایالات متحده امریکا، افزایش حمایت‌های گسترده مالی عربستان، امارات، در تقابل ایدئولوژیک با جمهوری اسلامی ایران و نهایتاً رقابت دو کشور در صحنه افغانستان، موجب کاهش سطح روابط طرفین شده است (پیشگاهی‌فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۲).

#### ۴- متغیرهای تأثیرگذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و پاکستان

مناسبات ایران و پاکستان پس از انقلاب اسلامی، بیشتر متمایل بر واگرایی بود و عوامل چندی بر آن تأثیر گذاشت که اهم آن عبارتند از:

<sup>۱</sup> Liaghat Ali Khan

<sup>۲</sup> General Zia Alhagh

#### ۴-۱- اختلافات شیعی و سنی

ورود هویت شیعی به معادلات بین‌المللی در دوران مدرن، به اواسط قرن نوزدهم و آغاز حرکت‌های اسلام-گرایانه در برابر تفوق غرب بر جهان اسلام باز می‌گردد (سیفی، ۱۳۹۱: ۷۶). حدود ۸۰ درصد جمعیت پاکستان را اهل سنت و ۲۰ درصد بقیه را شیعیان تشکیل می‌دهند. بیشترین جمعیت شیعیان در پنجاب، و پس از آن، سند، مناطق شمالی، مناطق قبایلی، کشمیر، سرحد بلوچستان قرار دارند. این پراکندگی به نوعی پتانسیل حملات فرقه‌ای را افزایش می‌دهد و باعث فراهم شدن بسترهای لازم آنها شده است (نجفی سیار و علی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۰). اصلی‌ترین منبع تنش در روابط ایران و پاکستان، حول مسائل ایدئولوژیک و مذهبی است که تاکنون به تنش‌های جدی در روابط دو کشور منجر شده است. از جمله گروه‌های ضدشیعی می‌توان به وهابیت، طالبان، سپاه صحابه، لشکر جهنگوی اشاره کرد (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۵).

انفجار بمب در سال ۲۰۰۸ با ۴۵ شهید، انفجار بمب در شهر کراچی در سال ۲۰۰۹ با ۴۶ شهید، انفجار بمب در مراسم عزاداری امیرالمومنین در سال ۲۰۱۰ با ۴۹ شهید، انفجار بمب در شهر کوئته در مراسم روز قدس در سال ۲۰۱۰ با ۸۰ شهید، عملیات انتحاری در شهر پانچنار در سال ۲۰۱۲ با ۵۰ شهید و صدها عملیات دیگر از جمله اقدامات تروریستی علیه شیعیان در پاکستان است (نجفی سیار و علی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

مسئله حفظ امنیت شیعیان پاکستان در روابط جمهوری اسلامی ایران با آن کشور، تأثیر منفی برجای گذاشته است؛ زیرا در حوزه سیاست خارجی ج.ا. ایران ایدئولوژی اسلامی شیعی یک شکل گفتمانی است که درک حوادث و ساختارهای خارجی آن از آن راه صورت می‌گیرد و کنش‌ها و رفتارهای خارجی این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رفیع، ۱۳۹۴: ۲۰۳-۲۰۲).

#### ۴-۲- اختلافات مرزی

مرز ۸۹۱ کیلومتری ایران و پاکستان از نظر تهدید استراتژیک، «امن» محسوب می‌شود، اما از نظر کارکردهای مرزی، نقش موثری در تقویت نیروهای واگرا داشته و در زمره مرزهای بد و بسیار ناامن برای دو کشور به ویژه ایران محسوب می‌گردد. این مرز از نظر جداسازی قوم بلوچ و توزیع و پراکندگی آن از جمله «مرزهای تحمیلی» محسوب می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۴۵).

مرز دریایی گوادر: مسأله مرز دریایی این دو کشور در خلیج گوادر، هنوز به سرانجام نرسیده است. انزوای جغرافیایی این خلیج به دلیل دور افتادگی و ناشناخته بودن، قابلیت‌های عظیم دریای عمان و اقیانوس هند

برای ایرانیان، باعث کم‌رغبتی و یا حساسیت اندک دولت‌ها نسبت به تعیین مرز دریایی در این خلیج شده است. قابلیت‌های عمده گوادر در آینده‌ای نزدیک، ایران و پاکستان را وارد این عرصه خواهد کرد. حقایق رودهای مرزی: ایالت بلوچستان پاکستان و استان سیستان و بلوچستان، در شمار مناطق دارای اقلیم صحرائی به شمار می‌روند و مهمترین مانع توسعه این استان، تنگناهای آبی اعلام شده است. هرچند رودخانه‌های مرزی لادیز و نهنگ، دارای رژیم نزدیک به سیلابی و متغیرند؛ اما برداشت‌های آبی دو طرف از این رودخانه‌ها، ممکن است منبع تشنج و مشاجره ایران و پاکستان را در مقیاس محلی و منطقه‌ای در دو سوی مرز فراهم آورد (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۰). تهدیدهای مرزی ایران و پاکستان:

- درگیری‌های مرزی با قاجاقچیان و اشرار؛
- شکل‌گیری گروهک‌های کوچک تجزیه‌طلب؛
- کاهش وفاداری مرزنشینان به هویت ملی؛
- شکسته شدن حرمت قاجاق، ایجاد شکاف اجتماعی میان اقشار مختلف؛
- افزایش هزینه‌های ناشی از کنترل مرزها و ... (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۹۴-۹۳).

#### ۳-۴- روابط ایران و هند

منافع مشترک جمهوری اسلامی ایران و هند در حوزه‌های اقتصادی، استراتژیک و امنیتی، لایه‌های اصلی این روابط می‌باشند. هند در چارچوب سیاست «نگاه به غرب<sup>۱</sup>» و «نگاه به شمال<sup>۲</sup>» که بر دیپلماسی اقتصادی انرژی متمرکز است، به ایران بعنوان شریکی مهم می‌نگرد. در زمینه مبارزه با طالبان و ثبات افغانستان، ثبات کشورهای میانه، دو دولت، منافع مشترکی دارند و علیه نیروهای تجدیدنظرطلب غیردولتی در منطقه، همکاری مشترک دو جانبه دارند. ایران، دسترسی هند را به بازارهای افغانستان و آسیای میانه فراهم کرده؛ همچنین می‌تواند دسترسی هند به قفقاز و اروپا را تسهیل کند. هند و ایران در زمینه طرح‌های حمل و نقل دریایی، زمینی و خطوط راه آهن با یکدیگر همکاری می‌کنند (نیاکوئی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳۲-۱۳۱). هند سعی نموده روابطی راهبردی با دولت‌های محیط پیرامونش برقرار کند. چین و پاکستان دو رقیب راهبردی در محیط پیرامونی‌اش هستند؛ و هند درصدد بوده که به قدرت بی‌رقیب اقیانوس هند تبدیل شود (نیاکوئی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

<sup>1</sup> Look West Policy

<sup>2</sup> Look North Policy



هند و ایران منافع مشترکی در زمینه مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی، قاچاق مواد مخدر در افغانستان و آسیای میانه دارند. در طول دهه ۱۹۹۰، ایران و هند جزء حامیان ائتلاف شمال در برابر رژیم طالبان بودند. در این راستا، نخست وزیر هند «نارسیمارائو»<sup>۱</sup> در سپتامبر ۱۹۹۳ از تهران بازدید کرد. هاشمی رفسنجانی در آوریل ۱۹۹۵ از دهلی نو دیدن کرد و در اکتبر ۱۹۹۶، هند، در کنفرانس تهران برای افغانستان حضور یافت. ملاقات‌های دیپلماتیک به اعلامیه تهران در ۲۰۰۱ انجامید. در این زمان «اتال بهاری واجپای» از تهران دیدن کرد و اعلامیه دهلی نو در ژانویه ۲۰۰۳ امضاء شد که نشانه‌هایی از تمایل دو کشور به همکاری در سطح راهبردی بروز کرد.

در بیانیه دهلی نو بطور ضمنی به تضيیقات اعمالی از سوی ایالات متحده علیه توسعه نیروگاه هسته‌ای بوشهر، حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان و چشم‌انداز حمله عراق اشاره شده بود. در اعلامیه تهران به شدت از تروریسم در هر شکلی انتقاد و حمایت دولت‌ها از تروریسم را محکوم می‌کرد، چشم‌پوشی غرب نسبت به حمایت پاکستان از افراط‌گرایی و مبارزه با تروریسم بین‌المللی براساس استانداردهای دوگانه را مورد انتقاد قرار داد، تعمیق همکاری‌های دو دولت در کشور سوم «افغانستان»، همچنین کنترل مسیرهای زمینی و دریایی و همکاری نیروی دریایی دو کشور را مورد تأکید قرار می‌داد. باتوجه به دشمنی و رقابت پاکستان و هند، ارتباط ایران با این کشور، بر واگرایی روابط ایران و پاکستان می‌افزاید که این امر باتوجه به مرز مشترک با پاکستان و اشتراک در قوم بلوچ، برای ایران چندان خوشایند نیست.

#### ۴-۴- روابط پاکستان و امریکا

پاکستان و ایالات متحده آمریکا از سال‌های پس از تشکیل پاکستان، از روابطی نزدیک و دوستانه برخوردار بوده‌اند. به‌رغم فراز و نشیب‌های روابط میان دو کشور، پاکستان همیشه آمریکا را حامی خود در مقابل اتحاد جماهیر شوروی سابق و هند دانسته و در مقابل، ایالات متحده به پاکستان همچون مانعی در برابر نفوذ کمونیسم و شوروی می‌نگریست. بعد از یازده سپتامبر، تصمیم پاکستان به طرفداری از آمریکا با هدف تعقیب چهار خواسته کلیدی برای پاکستان صورت گرفت:

- محافظت از موشک‌ها و تسلیحات اتمی پاکستان؛
- رشد اقتصادی پاکستان؛
- افزایش امنیت کشور؛

<sup>۱</sup> Narasimha Rao

- حل بحران کشمیر (محمدی و ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

رابطه پاکستان و آمریکا تا زمانی که خللی در امنیت ملی ایران به وجود نیارد، برای ایران نگران کننده نیست؛ از سوی دیگر، پاکستان نیز باید از اقداماتی که حساسیت ایران را بر انگیزد خودداری نماید. گسترش روابط پاکستان با آمریکا می‌تواند ایران را در محاصره کامل آمریکا از طرف مرزهای شرقی قرار دهد. از طرفی کاهش روابط با پاکستان ضمن آنکه مشکلات اقتصادی برای پاکستان در پی خواهد داشت، زمینه‌ساز گسترش فرقه‌گرایی و تحریک گروه‌های داخلی پاکستان خواهد شد، که در این صورت به نفع امنیت ملی ایران نخواهد بود (پورخسروانی، ۱۳۸۷: ۲۲۳).

وقوع انقلاب از یک طرف، جزیره ثبات آمریکا و توازن قوا را برهم زد و از طرف دیگر با اعلام چهارچوب اصلی سیاست خارجی ایران، یک قدرت جدید مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی جدای از ایدئولوژی‌های مسلط جهانی به وجود آمد. آگاهی آمریکا از موقعیت ژئوپلیتیک ایران و آموزه‌های انقلاب باعث شد آمریکا تمام توان خود را بکار گیرد تا مانع از موفقیت ایران در منطقه شود (پرتوی و موسوی، ۱۳۹۳: ۲۰). بنابراین دولت ضیاءالحق برای جلوگیری از خطر کمونیسم در منطقه، زمینه‌های فعالیت و تقویت اسلام‌گرایان در کشور را تدارک دید (عارفی، ۱۳۸۲: ۵۱).

۱۶

#### ۴-۵- روابط پاکستان و عربستان

عربستان سعودی یکی از مهمترین متحدان منطقه‌ای پاکستان محسوب می‌شود. سابقه همکاری دو کشور به جنگ افغانستان و همکاری در تقویت مجاهدان افغان در مبارزه با شوروی در دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). دولت عربستان به دلیل اعتقاد به وهابیت، رابطه نزدیکی با برخی گروه‌های بنیادگرا در پاکستان دارد؛ چراکه برخی فرقه‌های مذهبی در پاکستان مانند مکتب دیوبندی از نظر اعتقادی شباهت زیادی با وهابیت دارند. بنابراین، عربستان در دوران جهاد به علت درآمدهای نفتی با ارسال کمک‌های مالی و اقتصادی به افغانستان و ایجاد تعداد بسیار زیادی مدرسه مذهبی در پاکستان که به آئین وهابیت پایبند بودند، زمینه رشد و گسترش هرچه بیشتر این اندیشه را فراهم آورد (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). عربستان با کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم به گروه‌های شبه نظامی پاکستان اهداف خود را در منطقه پیش می‌برد (غفوری و داوند، ۱۳۹۴: ۵۳).

وهابیون سعودی از شهریور ۱۳۶۸ ش. به بهانه کمک‌های آموزشی و انسان دوستانه به مهاجران افغان ایالت بلوچستان، مراکز متعدد تحت عنوان، موسسه الدعوه الاسلامیه، اداره الاسرا، موسسه مکتبه المکرمة الخبیریه و موسسه المسلم تأسیس کردند و از طریق کمک‌های مالی، فرهنگ ضدشیعی وهابیت را تبلیغ می‌کردند.

در دوره جنگ افغانستان (۱۹۹۲-۱۹۷۹)، عربستان به صورت گسترده به حمایت از پاکستان پرداخت. عربستان در اوایل دهه ۸۰ میلادی برای مقابله با نفوذ ایران بر شیعیان پاکستان وارد عمل شد (Latif, 2008: 10).

مهمترین ایدئولوژی رقیب جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، وهابیت بوده که مهمترین مبلغ و مرکز اصلی آن عربستان می‌باشد. مهمترین ایدئولوژی ضدشیعی عربستان عبارتند از: ایجاد مدارس، حمایت از مطبوعات، ایجاد و حمایت از احزاب، ایجاد مراکز فرهنگی و توزیع کمک‌های مالی در مناطق محروم و تلاش در جذب آنها به فرقه وهابیت و ایجاد تصویر منفی از شیعیان بخصوص ایرانیان؛ که از این طریق مانع بسیاری از فرصت‌های ایران برای صدور انقلاب شده است (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۸۱). پس از انقلاب اسلامی ایران، مقابله با مذهب تشیع یکی از مهمترین مأموریت‌ها و اولویت‌های سازمان‌های وهابی به شمار می‌رود (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۸۹-۱۸۷). در اقدامات سازمان‌های تبلیغی برای گسترش نفوذ وهابیت در کشور پاکستان با استفاده از فقر اقتصادی و جایگاه ژئوپلیتیک عربستان برای مسلمانان اهل سنت، این کشور اقدامات زیر را مورد توجه قرار داده است:

- تأمین هزینه مدارس مذهبی؛

- احداث مراکز تبلیغی؛

- فعالیت‌های انتشاراتی و مطبوعاتی (نجفی سیار و علی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۶).

بطور کلی عربستان، در همگرایی با پاکستان و واگرایی کامل با ایران است. رقابت دو کشور ایران و عربستان در خلیج فارس، خاورمیانه، جهان عرب و اسلام، و حتی در صحنه بین‌المللی، گویای توانایی اندک آنها در بسط همکاری‌های دوجانبه است؛ اما ریشه اصلی منازعات ایران و عربستان را باید در مسائل مذهبی جستجو کرد؛ بطوریکه عربستان دارای بیشترین نقش در تجهیز و سازماندهی مدرسه‌های مذهبی در پاکستان و گروه‌های ضدشیعی این کشور است (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۷).

#### ۴-۶- دخالت‌های پاکستان در افغانستان

تحولات افغانستان بعنوان کشوری که در همسایگی دو کشور ایران و پاکستان قرار دارد برای دو کشور از اهمیت فراوان برخوردار است. اختلاف سیاست‌های خارجی ایران و پاکستان در مسئله افغانستان تأثیر زیادی بر روابط دو کشور گذاشته است. در زمان اشغال افغانستان توسط قوای شوروی، اختلاف دو کشور موجب به وجود آمدن گروه‌های جهادی هشتگانه افغانی در ایران و گروه‌های هفتگانه در پاکستان شد. بعد از پیروزی

نیروهای مجاهدین، سیاست ایران در حمایت از دولت موقت افغانستان و تلاش در جهت کسب امتیاز بیشتر برای نیروهای شیعه استوار بود. دولت پاکستان در حالیکه به ظاهر از این دولت حمایت می‌کرد، در باطن به شدت از به وجود آمدن یک دولت مرکزی قوی در افغانستان در هراس بود. در نهایت دولت پاکستان در فروردین ماه ۱۳۷۱ ش. با حمایت آمریکا و کمک عربستان سعودی، جنگجویان طالبان را در کشور خود آموزش و سپس با حمایت نیروهای خود به قدرت رساند. این امر مطلوب ایران نبود چراکه روی کار آمدن حکومتی غیر از دولت ائتلافی در افغانستان تهدیدی علیه امنیت ایران قلمداد می‌گردید. این نقطه اوج مخالفت ایران و پاکستان در مورد افغانستان بود. به صورت اجمالی می‌توان منافع پاکستان را در افغانستان چنین بیان کرد:

- دسترسی به آسیای مرکزی، رقابت با ایران و رقابت در بازارهای منطقه؛  
 - بهره‌برداری از بنادر کراچی و گوادر در رقابت با بنادر چابهار و بندرعباس ایران؛ در محور اقتصادی جهت رقابت پاکستان به ضرر ایران است و در واقع، هر اندازه پاکستان در حوزه اقتصادی موفق باشد، ایران به همان میزان ضرر کرده است؛

- حل اختلافات ارضی افغانستان و رقابت با هند (آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴: ۶۵).  
 در هر سه محور، پاکستان تنها وقتی به اهدافش می‌رسد که یک دولت هم‌پیمان در افغانستان حاکم باشد، این اهداف با حذف طالبان، نقش پاکستان محدود و در مقابل، نقش ایران، توسعه پیدا می‌کند.

#### ۴-۷- کشتار سفیران و دیپلمات‌های ایرانی

پاکستان به همراه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، تنها کشورهایی بودند که حکومت طالبان را به رسمیت شناختند. ایران این شرایط را تهدیدی علیه منافع و امنیت ملی خود و مهار انقلاب اسلامی در منطقه تفسیر می‌کرد. به منظور مقابله با این شرایط، ایران از گروه‌های مخالف طالبان از جمله «برهان‌الدین ربانی»<sup>۱</sup> که رئیس جمهور قانونی وقت افغانستان محسوب می‌شد و نیروهای ائتلاف شمال تحت فرماندهی «احمدشاه مسعود»، علیه طالبان در جنگ داخلی افغانستان پشتیبانی کرد. در این مسیر، ایران همگام با سیاست‌های روسیه، هند و کشورهای آسیای مرکزی حرکت نمود تا بتواند با نفوذ روزافزون پاکستان در افغانستان، از طریق جریان طالبان، مقابله کند؛ امری که بطور مستقیم بر روابط ایران و پاکستان اثر منفی برجای گذاشت. شهادت هشت دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی در سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شهر مزار شریف در ۸ اوت ۱۹۹۸ / ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ ش، و هزاران شیعه افغانی توسط گروه طالبان و دیگر جریان‌های افراطی

<sup>۱</sup> Burhanuddin Rabbani

در این مقطع صورت گرفت. دوران حاکمیت طالبان در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ را باید اوج تقابل منافع و اهداف ایران و پاکستان در صحنه تحولات افغانستان دانست (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰). در پی ترور دیپلمات‌های ایرانی در کابل، تنش در روابط ایران و پاکستان اوج گرفت. ایران، پاکستان را مسئول قتل دیپلمات‌های ایرانی دانست و این کشور را متهم نمود که به عمق راهبردی و حامل تسلیحاتی و اطلاعاتی طالبان تبدیل شده است (نیاکوئی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳۵-۱۳۴).

#### ۴-۸- آزمایشات هسته‌ای پاکستان

«کمیسیون انرژی اتمی پاکستان»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۵ راه‌اندازی شد. در سال ۱۹۷۲ نخست وزیر وقت پاکستان ذوالفقار علی بوتو<sup>۲</sup>، دستور ساخت بمب اتمی داد. در می ۱۹۹۸ پاکستان اولین آزمایش هسته‌ای خود را در «چاگای هیلز»<sup>۳</sup> واقع در صحرای بلوچستان و دو روز بعد انفجار دوم را با موفقیت انجام داد (دلاورپور اقدم، ۱۳۸۷).

از مسائل دیگری که در روابط ایران و پاکستان تأثیر منفی گذاشته، آزمایش اتمی پاکستان در ۵۰ کیلومتری مرزهای ایران (استان بلوچستان پاکستان) در خرداد ۱۳۷۷ ش. می‌باشد. از جمله پیامدهای منفی رقابت پاکستان و هند برای ایران، افزایش حساسیت نظام بین‌الملل نسبت به سرنوشت فعالیت‌های هسته‌ای ایران<sup>۱۹</sup> و بازدارندگی هسته‌ای است. تهران به جهت انجام آزمایشات هسته‌ای پاکستان در ایالت بلوچستان و در نزدیکی مرزهای ایران، موضع قوی پاکستان به جهت داشتن توان هسته‌ای در مناقشات منطقه‌ای و همچنین در صورت روی کار آمدن یک حکومت بنیادگرای افراطی در پاکستان، نگران مسابقه تسلیحاتی در شبه قاره و به ویژه پاکستان است (محرابی و اقتدارنژاد، ۱۳۹۳: ۲۱۴). هرگونه خطری که متوجه تأسیسات هسته‌ای پاکستان شود، برای ما نیز یک خطر مستقیم محسوب می‌شود. اگر شبه نظامیان طالبان به این تسلیحات دسترسی پیدا کنند، ایران بعنوان همسایه شیعی پاکستان، با یک خطر جدی جدید مواجه می‌شود و اگر آمریکا بخواهد این مراکز را به بهانه خطر طالبان، بمباران کنند، باز هم محیط زیست و جامعه ما مستقیماً در معرض خطر تشعشعات قرار می‌گیرد، هرچند ما چنین خطری را برای جامعه پرجمعیت پاکستان نیز نمی‌پذیریم (محقق، ۱۳۸۸: ۱۲).

<sup>۱</sup> Pakistan Atomic Energy Commission (PAEC)

<sup>۲</sup> Zulfikar Ali Bhutto

<sup>۳</sup> Chagai Hills

## ۹-۴- قدرت نظامیان در پاکستان

از زمان استقلال پاکستان، همواره شاهد سرزمینی با بی‌ثباتی سیاسی، برخوردهای پیاپی فرقه‌ای، گسترش چشمگیر افراط-گرایی و اقتدارگرایی نظامیان بوده‌ایم. بیشتر روسای جمهور پاکستان با استفاده از ابزار کودتا توانسته‌اند مقام عالی سیاسی کشور خود را کسب کنند (غفوری و داوند، ۱۳۹۴: ۵۱). افرادی چون ذوالفقار علی بوتو (۱۹۷۱)، ژنرال ضیاءالحق (۱۹۷۷)، پرویز مشرف<sup>۱</sup> و محمد نواز شریف<sup>۲</sup> با کودتا قدرت را به دست گرفته‌اند.

ارتش، نیروهای اسلام‌گرا و احزاب سیاسی، سه بازیگر اصلی صحنه سیاست پاکستان به شمار می‌روند. از آنجا که در اکثر سال‌های تاریخ پاکستان، نظامیان بر این کشور حاکم بوده‌اند، قدرت این کشور در رئیس ستاد ارتش، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر متمرکز بوده است. نظامیان پاکستان در همه ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی پاکستان تأثیر گذارند، سرمایه‌گذاری دنیای غرب بر روی نظامیان، مطلوب آمریکا و انگلیس است و همواره سعی کرده‌اند تا با میدان دادن به ارتش، ظرفیت‌های خود در این کشور را بالا ببرند؛ و سعی می‌کنند تا نظام سیاسی پاکستان بیش از هر زمانی به سمت سکولار - لیبرال حرکت کند (باقری، ۱۳۹۶).

## ۲۰-۴-۱۰- رقابت بر سر نفوذ در آسیای مرکزی

تلاش ایران و پاکستان در دهه اخیر، برای ورود به بازار آسیای مرکزی و قرار گرفتن در مسیر انتقال لوله‌های گاز به شبه-قاره است. پاکستان که به آسیای مرکزی نزدیک است، در این رقابت حمایت طبیعی افغانستان را به همراه دارد؛ این تقارن جغرافیایی با پیوندهای موجود تاریخی و فرهنگی تقویت شده که زمینه را برای همکاری پاکستان با کشورهای آسیای مرکزی مساعد می‌سازد. این کشور در جستجوی حمایت کشورهای آسیای مرکزی در قبال موضوعاتی نظیر کشمیر و افغانستان است. از طرف دیگر ایران پس از پایان جنگ تحمیلی از امکانات بیشتری برای توسعه روابط خود با سایر کشورها به ویژه کشورهای آسیای مرکزی برخوردار گردید. این امر سبب شد تا ایران به برقراری روابط خود با سایر کشورهای آسیای مرکزی بپردازد که در نتیجه، زمینه رقابت دو کشور ایران و پاکستان را فراهم ساخت (محرابی و اقتدارنژاد، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

<sup>1</sup> Parviz Mosharaf

<sup>2</sup> Muhammad Nawaz Sharif

## ۴-۱۱- تروریسم و جریان‌های تکفیری در پاکستان

۱) تروریسم: به نظر می‌آید که ISI پاکستان برای خنثی کردن تفکر قومی جدایی طلب در ایالت بلوچستان به تقویت نیروهای رادیکال اسلامی روی آورده است. به همین خاطر، این بحث وجود دارد که گروه‌هایی که علیه ایران به اعمال تروریستی دست می‌زدند، از حمایت پاکستان برخوردارند؛ چنانکه «شیرین هانتر» می‌گوید: «جندالله که مسئولیت کشته شدن صدها تن از شهروندان غیرنظامی و نیروهای سپاه پاسداران ایران را برعهده دارند، به گروه‌های افراط‌گرای پاکستانی و شاید حتی سرویس اطلاعاتی (ISI) پاکستان وابسته هستند». پس از گروهک جندالله، گروهک تروریستی دیگری مانند: «انصار» و «جنبش عدل» در استان سیستان و بلوچستان اعلام موجودیت کردند. آنچه نام «جیش العدل» را بر سر زبان‌ها آورده، ترور هجده تن از مرزبانان ایران در سراوان بوده است (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۶).

۲) طالبان: حمله شوروی به افغانستان و حمایت ایالات متحده آمریکا، پاکستان و دیگر کشورها از جهاد در برابر آن، زمینه را برای به قدرت رسیدن طالبان فراهم کرد. طالبان، طلاب مذهبی بیش از حد محافظه‌کاری هستند که در مدارس دینی پاکستان آموزش دیدند (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۵۵). ستون فقرات نیروهای این گروه را سه گروه سلفی‌ها (که در مواقعی به آنان وهابی می‌گویند)، مولوی‌های تندرو، و صوفی‌ها تشکیل می‌دهند (جوادی ارجمند، ۱۳۸۷: ۴۶).

در تفکر «طالبانیسم» که شیوه به روز شده جریان فکری ابن تیمیه و پیروان اوست، ضدیت با شیعه، بارز و مشخص است. ملا محمد عمر (رهبر طالبان) اعلام کرد: «شیعیان چیزی بین کفار و مسلمانان هستند.» به ادعای طالبان، شیعیان بدعت‌گذارانی هستند که می‌توان آنان را برای عقاید مذهبی‌شان مورد آزار و اذیت قرار داد. در چند دهه اخیر تروریست‌های طالبان و القاعده بر مبنای تفکر وهابیت و کافر دانستن شیعه دست به جنایات‌های زیادی زده‌اند. از جمله:

- جهاد ۱۳۷۷/۱۹۹۸ ش. و تشکیل اجلاس پیشاور که طی آن فتوایی صادر شد مبنی بر اینکه همه مردان و پسران بالای هفت سال شیعی کشته شوند؛

- کشته و زخمی کردن بیش از ششصد نفر شیعه در پاچنار ۱۳۸۸ ش (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۵۶).

۳) سپاه صحابه (اوایل دهه ۱۹۸۰): این گروه قومی سنی، درگیر عملیات تروریستی بر ضد اقلیت شیعه پاکستان است؛ همچنین بعنوان یک حزب سیاسی فعالیت می‌کند و در انتخابات سال ۱۹۹۳ شرکت نموده و یک وزیر در دولت ائتلافی ایالت پنجاب پاکستان داشت. سپاه صحابه پس از غیرقانونی شدن توسط پرویز

مشرف در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۲ نام خود را به «ملت اسلامی پاکستان» تغییر داد. سپاه صحابه خواهان این است که پاکستان بعنوان یک دولت سنی اعلام وجود نماید.

یکی از رهبران مهم این گروه به نام «مولانا ضیاء القاسمی»<sup>۱</sup> در مصاحبه‌ای در ژانویه ۱۹۹۸ اعلام کرد: «... دولت پاکستان به شیعیان بیش از حد اهمیت می‌دهد. آنها در همه جا هستند: در رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مقامات عالی دولتی و این باعث نگرانی است». آنها شیعیان را مسلمان نمی‌دانند. سپاه صحابه برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران و آنچه که قابلیت فعالیت شیعیان طرفدار ایران در پاکستان می‌دانند، به وجود آمد (غفوری و داوند، ۱۳۹۴: ۵۶).

۴) جمعیت علمای پاکستان: پیروان این حزب، پیرو فقه حنفی و مسلک «بریلوی» هستند؛ مسلکی که به شدت با افکار سلفی- وهابی و دیوبندی مخالف است (فلاح‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰). در سال ۱۹۴۸ طی یک گردهمایی عمومی، موجودیت حزب «جمعیت علمای پاکستان» را اعلام داشتند. این جمعیت خواهان برقراری نظام اسلامی در پاکستان از راه‌های مسالمت‌آمیز و جمهوری پسند، نه انقلابی است. این حزب از لحاظ ساختاری بر کیش «شخصیت» و «عقیده» تکیه دارد. رهبری حزب، «مولانا شاه احمد نورانی»<sup>۲</sup>، محور اصلی سیاست‌های حزب است و عضویت در آن جز برای پیروان فرقه «اهل السنه و الجماعه» مقدور نیست (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

۲۲

#### ۴-۱۲- تأسیس سپاه صحابه و فرقه دیوبندی در پاکستان

سپاه صحابه نمونه کامل یک حزب فرقه‌گرا در پاکستان و از مصادیق بارز مخالفین تشیع در جهان اسلام است. این حزب در سال ۱۹۸۵ توسط «حق نواز جهنگوی»<sup>۳</sup> در شهر «جهنگ» از ایالت پنجاب، با تلاش عربستان سعودی تأسیس شد. در شعارشان هدف را دفاع از احترام به صحابه رسول بیان می‌کنند و در واقع محور تبلیغات ضد تشیع می‌باشد. با گسترش و تاثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران و تأسیس نهضت جعفریه پاکستان به نظر می‌رسد سپاه صحابه نوعی واکنش در برابر قدرت یابی شیعیان و مقابله با تأثیرات انقلاب اسلامی بوده است.

از آنجائیکه افتادن کشور پاکستان که از حلقه‌های مهم استراتژیک غرب است به ورطه انقلاب، منافع حیاتی غرب را به شدت مورد تهدید قرار می‌داد، متحدین منطقه‌ای ایالات متحده نظیر عربستان سعودی در عین بسط نگرش مذهبی خود و سلطه فرهنگی به پاکستان، بواسطه ایجاد "سپاه صحابه" اقدام به تحدید حدود

<sup>1</sup> Maulana Zia ul Qasmi

<sup>2</sup> Maulana Shah Ahmad Noorani

<sup>3</sup> Haq Nawaz Jhangvi



و نفوذ انقلاب اسلامی در پاکستان نمودند، لیکن از آنجائیکه موج انقلاب به آسانی قابل مهار نبود، آنها اقدام به فعالیت‌های تروریستی علیه گروه‌های شیعی و بطور اخص علیه کادر فرهنگی خانه فرهنگ ایران در پاکستان نمودند که نمونه بارز آن را در ترور «شهید صادق گنجی» مسئول خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در لاهور می‌توان جستجو کرد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۳: ۹۶). پس از فروکش نمودن موج اولیه انقلاب، این گروه بیشتر بر وهابیت در پاکستان تأکید نموده است، در حالیکه هنوز از شاخه نظامی توانمند خود در راستای اهداف سیاسی بهره‌برداری می‌نماید (امرای، ۱۳۸۳: ۲۴۹).

فرقه دیوبندی که ریشه در سیاست و مذهب پاکستان دارد، یک گروه بنیادگرای مذهبی در پاکستان است که مورد حمایت عربستان می‌باشد. اوج قدرت این فرقه در زمان ژنرال ضیاءالحق بود. وی پول زیادی از عربستان سعودی برای تأسیس مدارس مذهبی برای ترویج ایدئولوژی دیوبندی - وهابی دریافت کرد. کودتای ژنرال ضیاءالحق باعث پیوند و تقویت دو مکتب جهادگر دیوبندی شبه قاره هند و مکتب سلفی برخاسته از عربستان سعودی شد؛ پیوندی که حاصل آن شکل‌گیری هزاران مدرسه مذهبی در پاکستان بود که برای جنگ در افغانستان جهادگر تربیت می‌کردند.

شاه ولی‌اله دهلوی<sup>۱</sup>، رهبر مکتب دیوبندی، جهاد در راه خدا را بعنوان ابزاری برای مبارزه با کفار می‌دانست و پس از تأسیس مدارس دیوبندی در هند، مدرسان آنها رسماً جهاد را به دانش‌آموزان آموزش می‌دادند. وجهه مشترک تفکر دیوبندی و وهابیت در احیای خلافت اسلامی، ضدیت با شیعیان و مخالفت با فرهنگ و تمدن غربی است. از این‌رو این فرقه به رواج ایده وهابیت در پاکستان کمک کرد و باعث افزایش تنش و رقابت میان ایران و پاکستان شد (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

امروزه عربستان بعنوان منبع مالی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی در پاکستان محسوب می‌شود. نقش عربستان سعودی در عملیات تروریستی در پاکستان، با هدف برهم زدن ثبات کشور پاکستان و ایجاد محیط بی‌ثبات و ناامن برای کشورهای چوچون جمهوری اسلامی ایران، چین و گسترش بی‌ثباتی در محیط خارجی نزدیک روسیه مشهود است (کوشکی و حسینی، ۱۳۹۳: ۸۶).

#### ۴-۱۳- رقابت بر سر احراز قدرت منطقه‌ای

موقعیت ژئوپلیتیک کشور پاکستان و تحولات سیاسی - امنیتی مناطق پیرامونی آن، ایفای نقش فعال این کشور بعنوان یک قدرت منطقه‌ای را ناگزیر ساخته است. در سایه کشمکش سیاسی - نظامی پاکستان با

<sup>۱</sup> Shah Waliullah Dehlawi

هند، این کشور برای حفظ توازن قدرت نظامی بین دو کشور، بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع اقتصادی‌اش را برای افزایش کمی و کیفی نیروهای نظامی‌اش صرف کرد. در پرتو این سیاست، ارتش پاکستان به لحاظ آمادگی و تعداد نیرو به یکی از قوی‌ترین نیروهای نظامی در سطح منطقه تبدیل شد. به دنبال اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش شوروی و اوج‌گیری جنگ سرد بین دو ابرقدرت، پاکستان در کانون سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفت. در واقع این کشور بعنوان نخستین خاکریز غرب و متحدان منطقه‌ای آن در برابر شوروی به شمار می‌رفت. کشورهای منطقه و نیز ایالات متحده آمریکا از طریق پاکستان تلاش داشتند به مقابله با توسعه‌طلبی روسیه بپردازند (موسوی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۳).

#### ۴-۱۴- واکنش‌های افراطی علیه انقلاب اسلامی

منازعات شیعه و سنی قبل از تأسیس کشور پاکستان، به دلیل نفوذ پیرها و صوفی‌ها، امری تقریباً ناشناخته بود. همچنین، حکمرانی راجها در فاصله سال‌های ۱۸۷۵ تا ۱۹۴۷ بر شبه قاره، مانع مواجهه شیعه و سنی شده بود، چراکه احکام فقهی در زمینه تکفیر و ارتداد را به رسمیت نشناخته، دو فرقه را از هم جدا نگه داشته و منازعه‌ای را که ریشه در قرن هفتم میلادی داشت، به دست فراموشی سپرده بود؛ اما واکنش فرقه‌های سنی و دولت پاکستان به تأثیرات برآمده از پیروزی انقلاب اسلامی در پاکستان، از یک طرف و با عکس‌العمل شدید عربستان سعودی، عراق و کویت از طرف دیگر، فضای حاکم بر جامعه را به شدت ملتهب نمود (Nasr, 2000: 175).

سیاسی شدن شیعیان باعث ایجاد هراس بزرگی در میان سنی‌های پاکستان شد. بعد از تأسیس (تحریک) نفاذ جعفریه پاکستان (جنبش)، دو حزب «جمعیت علمای پاکستان» و «جمعیت علمای اسلام» دو کنفرانس اهل سنت برگزار کردند تا به تعیین خود با «حرکت این اقلیت کوچک شیعی برای تحمیل اراده خویش برای اکثریت سنی» مقابله کند. این دو جمعیت، «حق نواز جهنگوی» را بعنوان جلودار مقابله با تشیع انتخاب کردند. این جوان افراط‌گرای سنی، سپاه صحابه پاکستان را در سال ۱۹۵۸ تأسیس کرد؛ دستور کار این سازمان به شدت ضد شیعی بود (Abou Zahab, 2002: 118).

در حال حاضر، ایران به شدت از موضع‌گیری‌های ضعیف پاکستان و برخورد جانبدارانه یا همراه با تساهل دستگاه‌های تصمیم‌ساز این دولت به ویژه قوه قضائیه این کشور در برخورد با عاملان ترور دیپلمات‌های خود ناخشنود است. تهران، تساهل اسلام‌آباد را در این زمینه نشانه نفوذ عوامل افراطی سنی و وهابی در دستگاه‌های تصمیم‌ساز پاکستان می‌داند. به هر حال استمرار فشار تشکل‌های افراطی بنیادگرا علیه شیعیان این کشور، بر مناسبات دو دولت موثر است (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۱).

## نتیجه‌گیری

پاکستان از مهمترین کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و همسایه شرقی جمهوری اسلامی ایران است. اشتراکات نژادی، مذهبی و تاریخی و ادراکات امنیتی مشترک، باعث شده روابط ایران و پاکستان از اهمیت راهبردی بالایی برای دو کشور برخوردار باشد. با استقلال پاکستان در سال ۱۹۷۴ ایران اولین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت. از بدو تأسیس دولت پاکستان، روابط ایران با این کشور، براساس دوستی و حسن همجواری و از اهمیت برخوردار بوده است. دو کشور عضو پیمان نظامی سنتو بوده و متأثر از سیاست خارجی آمریکا قرار داشتند. با وقوع انقلاب در ایران، پاکستان در تحریم‌های غرب علیه ایران شرکتی نکرد و موضع بیطرفانه را در جنگ ایران و عراق اتخاذ نمود. اما به علت تقابل ایدئولوژیک دو کشور، بیشتر متمایل به واگرایی می‌باشد تا همگرایی.

در این مقاله سعی شد متغیرهای تأثیرگذار بر واگرایی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان مورد بررسی قرار گیرد. این فرضیه که مجموعه‌ای از عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجب واگرایی در روابط دو کشور شده است، مورد تأیید قرار می‌گیرد. با بهره‌گیری از داده‌های تحقیق، چنین برمی‌آید که مسائل ایدئولوژیک و مذهبی تاکنون به تنش‌های جدی در روابط دو کشور منجر شده است. تهدید تروریسم فرقه‌ای توسط گروه-<sup>۲۵</sup> های تروریستی در این کشور و سایر گروه‌های بنیادگرا صورت می‌گیرد و کشتار شیعیان پاکستان توسط این گروه‌ها که منجر به تنش ایران و پاکستان می‌باشد. بروز اختلافات و سوء تفاهات مختلف بین دو کشور در اثر پویش‌های قومی به‌ویژه در منطقه بلوچستان ایران است که همواره انگشت اتهام ایران را متوجه دولت پاکستان و نهادهای اطلاعاتی این کشور در پشتیبانی مادی و معنوی این جریان‌ها ساخته است.

در سال‌های اخیر، فعالیت گروه موسوم به جنداله در مناطق شرقی ایران، یکی از مهمترین موارد اختلاف نظر بین ایران و پاکستان را پدید آورد. این گروه برپایه مطالبات قوم بلوچ، موجب شکل‌گیری پویش بسیار جدی قومیت‌گرایی و تجزیه‌طلبی در جنوب شرقی ایران شده است و برای پیشبرد اهداف خود از افراط‌گرایی دینی و نیز اقدامات تروریستی، به نحو موثری بهره گرفته است. همچنین پاکستان همکاری‌های ایران و هند را موجب تضعیف مواضع خود در منطقه قلمداد می‌کند. هر دو کشور ایران و پاکستان از نفوذ لازم در کشور افغانستان برخوردار می‌باشند که سیاست پاکستان بر سلطه بر افغانستان را می‌توان در شکل‌دهی به طالبان و اتخاذ سیستم تمامیت‌خواهی از سوی این گروه مشاهده کرد و سیاست ایران را می‌توان در شکل تقویت گروه‌های فارسی زبان و شیعه مذهب و سهمیم کردن آنها در قدرت مشاهده نمود.

منافع متعارض دو کشور در منطقه، رابطه با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، نوع و شکل اتحادهای موجود در کنار تفاوت‌های ایدئولوژیک دو کشور و برداشت‌شان از یکدیگر نشان دهنده این است که در بررسی فرصت‌ها و چالش‌های روابط کشورهای ایران و پاکستان، باید وزن بیشتری به چالش‌های موجود داد. بنابراین آنچه که از آینده روابط ایران و پاکستان می‌توان مشاهده کرد؛ افزایش رقابت‌های منطقه‌ای دو طرف و شکل‌گیری اتحادهای جدید منطقه‌ای است که احتمال قرار گرفتن این دو کشور در کنار هم ضعیف به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، پاکستان به دلیل مشکلات مرزی و ... که با آن روبرو است، خود را نیازمند به پشتیبانی قدرت‌های بزرگ می‌داند. هر دو کشور عربستان و آمریکا بی‌تردید بازیگرانی در سطح منطقه و بین‌الملل هستند که به این تنش دامن می‌زنند. عربستان سعودی می‌کوشد تا با اتکاء بر ثروت نفتی، اشتراکات مذهبی و فقر اقتصادی-اجتماعی در پاکستان، ضمن بهره‌گیری از مراکز آموزشی خود، طلاب پاکستانی را مورد توجه خود قرار دهد و سلفی‌گری را در پاکستان تقویت کند.

مهمترین چالش برای جمهوری اسلامی ایران در تحولات ژئوپولیتیک منطقه، جایگاه پاکستان در اراده هژمونیک ایالات متحده آمریکا می‌باشد. به‌رغم اینکه پاکستان خود را کشور مسلمان و هم‌پیمان ایران در منطقه می‌داند، اما با نگاهی به سیاست‌های اعمالی این کشور در قبال ایران، در می‌یابیم که وعده‌های این کشور مبنی بر همکاری با ایران، مبهم است.

در مجموع با توجه به مطالبی که گفته شد می‌توان دریافت که ماهیت و هویت اسلامی که پاکستان برای خود قائل است و نگرانی از نفوذ انقلاب اسلامی ایران، به ویژه در میان شیعیان پاکستان، عمدتاً این کشور را به دنیای سنی نزدیک‌تر می‌کند و روابط دوستانه و حسن همجواری همچنین صدور انقلاب به این کشور را سخت و دشوار کرده است.

## فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آقاجری، محمدجواد و کریمی، مرتضی (۱۳۹۴)، «نقش بازیگران منطقه‌ای در فرایند دولت‌سازی افغانستان در دوران طالبان و پساطالبان»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۸، ش ۳۰.
- ۲- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، روابط خارجی ایران (۱۳۲۰-۵۷)، تهران: نشر قومس.
- ۳- اطاعت، جواد و احمدی، ابراهیم (۱۳۹۴)، «تحلیل ژئوپولیتیک روابط پاکستان و همسایگانش: تنش‌ها و تهدیدها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره ۷، ش ۲۴.

- ۴- اطهری، سید اسداله و زمانی، سمیه (۱۳۹۲)، «تحلیل انتقادی گفتمان صدور انقلاب امام خمینی (۱۳۵۷-۶۰)»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، س ۱۰، ش ۳۴.
- ۵- امرایی، حمزه (۱۳۸۳)، **انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۶- بلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، **جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین**، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
- ۷- پرتوی، اصغر و موسوی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳)، «نقش ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی در خشونت‌های ضدشیعی در پاکستان بعد از انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، س ۳، ش ۱۱.
- ۸- پورخسروانی، انیس (۱۳۸۷)، «همکاری‌های ایران و پاکستان در عرصه امنیت انسانی: موانع راهکارها»، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا**، دانشگاه بیرجند.
- ۹- پیشگاهی فرد، زهرا و قدسی، امیر (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»، **پژوهش‌های جغرافیایی**، ش ۶۳.
- ۱۰- جوادی ارجمند، محمدجعفر و دیگران (۱۳۹۱)، «تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران با پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، س ۴، ش ۱۲.
- ۱۱- جوادی، ربابه (۱۳۸۹)، «عوامل همگرایی و واگرایی در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس»، **پایان‌نامه ۲۷ کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل**، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۲- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، **وضعیت ژئوپلیتیکی پنجاب در پاکستان**، تهران: انتشارات المهدی.
- ۱۳- خلیلی، محسن و دیگران (۱۳۹۲)، «پیوند زنگان ژئوپلیتیک و سیاست خارجی»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، س ۵، ش ۱۷.
- ۱۴- رفیع، حسین (۱۳۹۴)، «تأثیر نفوذ وهابیت در پاکستان بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، س ۸، ش ۳۲.
- ۱۵- سیدنزاد، سیدباقر (۱۳۸۹)، «مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه-انگاری»، **فصلنامه علوم سیاسی**، س ۱۳، ش ۴۹.
- ۱۶- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)، **نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی جهانی شده: مناسبت و کارآمدی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و روابط بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۷- سیفی، یوسف (۱۳۹۱)، «ژئوکالچر اسلام‌گرایی شیعی در خاورمیانه و تأثیر آن بر بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه آفاق امنیت**، س ۵، ش ۱۷.

- ۱۸- صفوی، سیدیحیی (۱۳۷۹)، **مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران**، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۹- عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۲)، **جنبش اسلامی پاکستان؛ بررسی عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی**، چ ۱، قم: بوستان کتاب.
- ۲۰- عسگرخانی، ابومحمد و منصورى مقدم، جهانشیر (۱۳۸۹)، «همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل: نگاهی به نظریه سازه‌نگارانه الکساندر ونت»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۰، ش ۳.
- ۲۱- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱)، **انقلاب اسلامی ایران؛ علل، مسائل و نظام سیاسی**، چ ۱، قم: نشر معارف.
- ۲۲- غفوری، محمود و داوند، محمد (۱۳۹۴)، «ارزیابی و تحلیل تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی»، **مجله سیاست دفاعی**، س ۲۳، ش ۹۱.
- ۲۳- فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۳)، **سیاست خارجی پاکستان**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- ۲۴- فلاح‌زاده، محمدهادی (۱۳۸۵)، **آشنایی با کشورهای اسلامی**، چ ۱، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۲۵- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۵)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، چ ۱۲، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۶- کریمی‌پور، یداله (۱۳۷۹)، **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- ۲۷- کوشکی، محمد صادق و حسینی، سیدمحمود (۱۳۹۳)، «چشم‌اندازی بر درگیری‌های قومی در پاکستان؛ مطالعه موردی شهر کراچی»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، ش ۲۰.
- ۲۸- مسعودنیا، حسین و نجفی، داود (۱۳۹۰)، «عوامل موثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، س ۳، ش ۸.
- ۲۹- محرابی، علیرضا و اقتدارنژاد، محمد (۱۳۹۳)، «مدل تبیینی ژئوپلیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر موقعیت و نقش آفرینی منطقه‌ای)»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، س ۶، ش ۲۰.
- ۳۰- محقق، سبحان (۱۳۸۸)، «ریشه‌های داخلی و خارجی بحران پاکستان»، **روزنامه کیهان**.
- ۳۱- محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم (۱۳۹۴)، «واگرایی در روابط ایران و پاکستان با تأکید بر افراطی‌گری مذهبی»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، س ۴، ش ۱۴.
- ۳۲- محمدی، مصطفی و ابراهیمی، شهروز (۱۳۹۰)، «روابط هسته‌ای پاکستان و آمریکا از ۱۹۴۷ تا ۲۰۱۰»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، س ۳، ش ۶.
- ۳۳- موسوی، سید حامد (۱۳۹۰)، **دین و سیاست در پاکستان**، تهران: انتشارات تنزيل.

- ۳۴- موسوی، سیدمسعود (۱۳۸۹)، «بررسی مواضع و عملکرد پاکستان در جنگ عراق با ایران»، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس: نگین ایران، س ۹، ش ۳۳.
- ۳۵- نجفی سیار، رحمان و علیپور، عباس (۱۳۹۲)، «کشتار سازمان یافته شیعیان در پاکستان (علل، اهداف، بازیگران)» فصلنامه آفاق امنیت، س ۶، ش ۲۰.
- ۳۶- نیاکوئی، سید امیر و بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۴)، «روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، فصلنامه روابط خارجی، س ۶، ش ۱.
- ۳۷- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۱۷، ش ۴.
- ۳۸- یزدانی، عنایت‌اله و اخجسته، جمیل (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س ۱، ش ۳.

لاتین:

- 39- Abo Zahab, Mariam (2002). *The Regional Dimension of Sectarian Conflicts in Pakistan, in Pakistan: Nationalism without Nation*, London: Zed Books.
- 40- Alam, Shah (2004). *Iran-Pakistan Relation: Pilitical and Strategic Dimensions, Strategic Analysis*, Vol. 28, No. 4.
- 41- Latif, Aamir (2008). *Pakistan Militant Groups*, ISLAM ONLINE.NET, 6 February, available at [http://www.islamonline.net/servlet/Satellite? Article C&pagename=ZoneEnglish-News/NWELayout&cid=1201957653055](http://www.islamonline.net/servlet/Satellite?Article_C&pagename=ZoneEnglish-News/NWELayout&cid=1201957653055).
- 42- Nasr, Seyyed Vali Reza (2000). *International Politics, Domestic Imperatives, and Identity Mobilisation: Sectarianism in Pakistan, 1979-1988, Comparative Politics*, Vol. 32, No. 2.
- 43- [www.basirat.ir](http://www.basirat.ir)
- 44- [www.isrjournals.com](http://www.isrjournals.com)
- 45- [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)